



شهید قنبرعلی حیدری

ولادت: ۱۳۴۶/۱/۲۲، استان اصفهان

پذیرش در رشته علوم آزمایشگاهی دانشگاه علوم پزشکی

شهادت: ۱۳۶۷/۳/۲۳، شلمچه، عملیات بیت المقدس ۷

آرامگاه: خمینی شهر، هرستان، گلزار شهدا، قطعه ۱۲

زندگی نامه

شهید قنبرعلی حیدری در بیست و دوم فروردین ۱۳۴۶ در روستای هرستان از توابع خمینی شهر اصفهان به دنیا آمد. در سن چهار تا پنج سالگی به آموختن قرآن پرداخت و با تشویق پدر و مادر از شش سالگی نماز را در مسجد محل می خواند. وی پس از پایان دوره متوسطه، در سال ۱۳۶۵ در کنکور پذیرفته شد و در رشته علوم آزمایشگاهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به ادامه تحصیل پرداخت. پس از پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی از طریق بسیج پایگاه ابا عبدالله الحسین هرستان چندین بار به جبهه رفت. او سرانجام در بیست و سوم خرداد ۱۳۶۷ در شلمچه و عملیات بیت المقدس ۷ بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

بار خدایا! تو خود می دانی که ما فقط برای یاری دین تو و برای رسیدن به تو به پا خاسته ایم و از جان و مال خود گذشته ایم، تا تنها دین تو را یاری کنیم. ما برای برقراری پرچم «لا اله الا الله» می جنگیم و هر روز عده ای از عزیزانمان در این راه به خاک و خون می غلتند. تو خود می دانی که ما هدفی جز تو نداریم و به غیر از تو چیزی نمی خواهیم و تنها امیدمان به تو است و تو را پشتیبان خود می دانیم؛ پس امیدمان را ناامید مکن و ما را در این راه یاری فرما. توفیق مان بده تا فرمان اماممان را پیروی و اطاعت کنیم و تنها پیرو خط او که خط اسلام و قرآن و محمد (ص) است، باشیم و توفیق عنایت کن تا در راه تو به جهاد برخیزیم و در این راه، سرنوشت ما را به «شهادت» ختم فرما که بسی شیرین است.

ای برادران و خواهران! به جهاد با نفس برخیزید و خودسازی را شروع کنید و از هوی و هوس‌های دنیا بپرهیزید که هر کس به جهاد نفس پرداخت، رضای خداوند متعال را به دست آورده است. صحنه مبارزه را ترک نکنید و همیشه پیرو ولایت فقیه باشید و نگذارید منافقان از خدا بی‌خبر، این مملکت را به ویرانی بکشانند. بدانید که سعادت این مملکت در پیروی از امام و خط ولایت فقیه است و اگر این خط را رها کنیم به ذلت و خواری کشیده خواهیم شد. در نماز جمعه شرکت کنید و مساجد را پر کنید.

ای پدران و مادران! بدانید که مرگ، هر کس را روزی فرا می‌گیرد و کسی نمی‌تواند از آن بگریزد؛ پس چه بهتر که این مرگ، شهادت در راه خدا باشد.

ای برادران و دانش‌آموزان و ای امیدان انقلاب! در سنگر مدرسه و با اسلحه قلم به مبارزه با دشمنان اسلام و مسلمین برخیزید. درس بخوانید و تجربه بیاموزید که ملت ما به شما نیاز دارد و باید این کشور را اداره کنید. نماز جماعت و امر به معروف و نهی از منکر را در مدارس به پای دارید.

پدر و مادر عزیزم! می‌دانم که از فراق من ناراحت هستید و نمی‌گویم که برای من گریه نکنید، اما هر گاه خواستید گریه کنید به یاد صحرای کربلا و مصیبت‌های امام حسین (ع) گریه کنید و برای دردهای دل زینب (س) اشک بریزید و پیرو خط امام باشید.

شعر زیر مرثیه‌ای از شهید حیدری است که در دفترچه خاطراتش یادداشت نموده است:

هر آن مادر که اندر دل، غم مرگ پسر دارد	ز حال لیلای جوان مرده خبر دارد
نشاید داغ مرگ نوجوان را بردن از خاطر	خصوص آن مادری که در زندگی یک پسر دارد
اگر نالد کسی از داغ مرگ نوجوان خود	یقین آه جگر سوزش به هر قلبی اثر دارد
میان خاک و خون افتاده جسم اکبر لایلا	نمی‌دانم چرا لایلا به سر قصد سفر دارد
ندارد قدرت رفتن به خود لیلای افسرده	برای یاری‌اش اکنون به هر سویی نظر دارد
به دشواری جدا شد از سر نعش علی‌اکبر	ز بهر این مصیبت تا قیامت چشم تر دارد
به صد زحمت جوانش را نموده هیجده ساله	به امیدی که در پیروی نهال او ثمر دارد
دگر موی سر لایلا سفید از داغ اکبر شد	مدام اندر دلش نفرین به چرخ حیل‌گر دارد
شده شوریده سر لایلا، چو مجنون در بیابان‌ها	بسان چشمه زمزم سرشک اندر بصر دارد

